

زمان پرشونده

نگاهی به ایام محرم ۱۳۴۲ به عنوان زمینه‌ساز قیام ۱۵ خرداد

رحیم روحبخش

مجله زمانه ، شماره ۱۸ و ۱۹

همه بارها شنیده‌ایم که انقلاب اسلامی ایران از سوی مردم و رهبران قیام نهضت حسینی(ع) خوانده شده که تماشاگر ندارد و ایام محرم و عاشورا مهم‌ترین روزهای انقلاب را شامل شده است. خویست که کمی به عقب برویم و به سالها قبل از انقلاب نگاهی بیاندازیم. به دوره‌ای نظر افکنیم که به قیام عمومی مردم ایران در پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ ختم شد و فصل مهمی در تاریخ مبارزات دینی - ملی گشود. واقعه مدرسه فیضیه زمینه‌ای برای سیاسی‌کردن هرچه بیشتر محرم سال ۱۳۴۲ بود. امام از هیات مذهبی و مداحان و خطبا خواسته بودند که مسایل جاری کشور را مطرح کنند و یزید زمان را برای مردم معرفی سازند. از همین‌رو روضه فیضیه در منابر و مداحیهای محرم آن سال جاری شد و قم به عنوان دشت کربلا در شعارها و مرثیه‌ها مطرح گردید. در مقاله زیر چگونگی تاثیر عزاداریهای محرم سال ۱۳۴۲ بر قیام ۱۵ خرداد که خود زمینه‌ساز تاریخی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ گردید را بیشتر و دقیق‌تر مطالعه خواهید نمود.

«اطلاعات واصله از منابع مختلف حاکیست، وضع عزاداری در سال جاری (محرم ۱۳۴۲) در تهران بسیار بی‌سابقه بود و در دستجات و مجالس روضه‌خوانی تعداد زیادی جمعیت شرکت می‌کرد که شاید در ده سال اخیر بی‌سابقه بود. . . .»^۱ سوال بنیادین مقاله این است که مجالس سوگواری دهه اول محرم ۱۳۸۳ ه.ق/ ۲-۱۳ خرداد ۱۳۴۲ ه.ش چه تاثیری بر حضور خودجوش توده‌های مومنین مذهبی در قیام ۱۵ خرداد داشت؟ در این ارتباط چه مولفه‌هایی نقش داشتند؟ و امام خمینی به عنوان رهبر نهضت از چه سازوکارهایی برای این منظور استفاده کرد؟

هنوز چند ماهی از نهضت امام خمینی نگذشته بود که محرم فرا رسید. بیشتر شروع نهضت را از اواسط سال ۱۳۴۱ ش و در جریان مخالفت مراجع با لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی می‌دانند. بعد از پیروزی در مبارزه دو ماهه مراجع و علما با حمایت توده‌های مومنین در لغو این لایحه، چالش حاصل بین روحانیت و نظام حاکم در وقایعی چند از جمله سفر شاه به قم و عدم استقبال علما از وی در چهارم آبان، تحریم انتخابات در ششم آبان، تحریم عید نوروز ۱۳۴۳ و به خصوص فاجعه مدرسه فیضیه قم در دوم فروردین ۱۳۴۳ افزایش یافت.

در این میان، حمله ماموران به مدرسه فیضیه قم و ضرب و شتم طلاب، نقطه عطفی در رویکرد سیاسی مراجع، علما و مومنین محسوب می‌شود. امام به فراست دریافت که با این اقدام هیات حاکمه خود را رسوا کرده و زمینه‌های بهره‌برداری تبلیغاتی و سیاسی برای مبارزان را فراهم ساخته است. رهبران نهضت که هیچ فرصتی را برای آگاه ساختن مردم و تحریک آنان از دست نمی‌دادند، بعد از وقوع این فاجعه، منتظر ماندند تا محرم فرا برسد، نگارنده وقایع دو ماهه حد فاصل واقعه مدرسه فیضیه قم تا فرارسیدن محرم را در مقاله‌ای دیگر مورد بررسی قرار داده است^۲ و این مقاله به نوعی دنباله آن محسوب می‌شود. در این نوشتار، راهکارهای استفاده دست‌اندرکاران نهضت از مجالس محرم برای آگاهی توده‌ها و نقش منبر و هیاتهای مذهبی جهت افشاگری علیه نظام مورد بازکاوی قرار می‌گیرد، همچنین برای پاسخگویی به سوالات آغازین مقاله، مؤلفه‌های مختلفی که برای این منظور و جهت نیل به اهداف نهضت مورد استفاده قرار گرفته، بررسی می‌شود. مهم‌ترین منابع مورد استفاده این نوشتار، صرف‌نظر از اسناد

بیشمار باقیمانده از گزارشهای ماموران ساواک، خاطرات روحانیون و بازاریانی می‌باشد که در مبارزات سیاسی محرم آن سال ایفای نقش کردند.

ناگفته نماند از آنجا که محرم آن سال، نخستین سال بهره‌برداری سیاسی از مجالس مذهبی و سوگواری در نهضت امام خمینی تلقی می‌شد، همان سازوکارهای مبارزاتی در سالهای بعدی نهضت و به خصوص در سالهای نزدیک به پیروزی انقلاب نیز مورد استفاده قرار گرفت؛ به گونه‌ای که در فرایند نهضت امام، محرم از جلسات ویژه سوگواری به مجالس سیاسی و مبارزاتی تبدیل گردید؛ از این‌رو، تبیین و بررسی محرم سال ۴۲ به خاطر پایه‌گذاری یک رویکرد نوین و موثر در مبارزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

انقلاب منبر

بدون تردید واکاوی قیام ۱۵ خرداد، بدون بررسی عامل زمینه‌ساز آن یعنی محافل و مجالس محرم، امری ناممکن خواهد بود. از آنجا که مراجع و به خصوص امام خمینی در فرایند مبارزه و تشدید رویارویی بین هیات حاکمه و روحانیت مبارز، فرصت پاسخگویی و مقابله با رفتار و عملکرد نظام در هجوم به مدرسه فیضیه و هتک حرمت مرجعیت و روحانیت و حریم مدرسه دینی را به «زمان پرشونده» ماه محرم — که در آن قابلیت و توان بسیج مومنین فراهم است — موکول کرده بودند؛ از این‌رو، در این بحث، تدابیر اتخاذ شده از سوی امام را در دو مرحله برنامه‌ریزیهای قبل از آغاز محرم و نه روز اول محرم مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- برنامه‌های قبل از شروع محرم: امام از مدتها قبل از آغاز محرم در سخنرانیها و گفت‌وگوهای خصوصی خود، بارها به این نکته اشاره کرده بود که درصدد است تا در محرم تدابیری برای افشای نظام حاکم اتخاذ کند؛ از این‌رو، دستگاه امنیتی نظام تصمیم گرفت تا امام را با ترفندهایی و از جمله دعوت به صلح و سازش از این کار بازدارد. امام در نامه‌ای که به تاریخ دوازدهم اردیبهشت خطاب به برادرش، آیت‌الله مرتضی پسنیدیه نگاشته‌اند، از این ترفندها پرده برداشته و چنین آورده‌اند: «در این چند روز برای اغفال ما ظاهرا پیغامهایی داده شده است که ترتیب اثر نداده‌ایم و تا دولت فعلی (کابینه اسدالله علم) سر کار است، ظاهرا نشود تفاهمی کرد.»^۲

براساس این رویکرد، امام در گام نخست اقدام به اعزام طلاب به شهرها و مناطق مختلف کشور نمود تا در مجالس محرم به افشاگری علیه نظام بپردازند. کلاسهای حوزه علمیه به طور رسمی هشت روز قبل از آغاز محرم تعطیل شد و طلاب به تدریج عازم مناطق مختلف کشور گردیدند. براساس یکی از گزارشهای ساواک در جلساتی که در آستانه اعزام طلاب برگزار می‌شد، مراجع به آنان توصیه می‌کردند: «در منابر ترس نداشته باشید و بگوئید دولت و شاه بی‌دین هستند و قرآن را می‌خواهند از بین ببرند، دیگر تقیه نکنید. همچنین منتظر دستورات ما باشید.» در ادامه این گزارش آمده است که مراجع از طلاب درخواست نموده‌اند که سعی نمایند در منابر خود فاجعه مدرسه فیضیه را با واقعه کربلا تطبیق داده و آن را محور روضه‌خوانیهای خود قرار دهید.^۴

به نظر می‌رسد که کارگزاران امنیتی نظام در برابر این تدابیر، خود را با یک چالش بزرگ مواجه می‌دیدند؛ زیرا نه می‌توانستند، مانع اعزام مبلغان مذهبی شوند و نه قادر بودند بر گستره وسیع مجالس و محافل سوگواری کشور که اینک بخشی از آن تحت سیطره تبلیغات مذهبی — سیاسی روحانیت مبارز قرار گرفته بود، نظارت داشته باشند. پی‌نوشت‌های یک مقام عالی امنیتی در اسناد ساواک، حاکی از سردرگمی دستگاه امنیتی در خصوص آن وضعیت می‌باشد. در سند مذکور آمده است: «... یا بایستی قبل از رسیدن محرم و صفر تصمیم قاطعی درباره خمینی و شریعتمداری گرفته شود یا اینکه اصولا منابر آزاد باشد، هر حرفی زده شد از طرف مامورین اقدامی به عمل نیاید؛ زیرا

دستگیری و لحاظ به طور قطع موجب جنجال جدیدی خواهد شد که ضرر آن در مقابل عملی که انجام می‌شود، قابل مقایسه نیست و (وعاظ) بهره‌برداری شدیدی از آن خواهند کرد.^۵

هرچند از مدتها پیش اهمیت رسانه منبر و کاربرد پیام‌رسانی آن برای آموزه‌های نهضت آشکار شده بود؛ ولی چنین می‌نماید که منابر و مجالس محرم سال ۴۲ به جدی‌ترین عرصه مبارزه بین روحانیت و نظام تبدیل گردید، بنابراین، به حق می‌توان از این دوره به عنوان «انقلاب منبر» نام برد. انقلابی که نقطه اوج آن در تظاهرات عاشورا و سپس قیام ۱۵ خرداد تبلور یافت. براساس گزارشهای ساواک، امام چندین بار برای گروه‌های متشکل طلاب اعزامی به روستاها و شهرها سخنرانی کرد و آنان را به پایداری و مقاومت فراخواند. ایشان در فرازهایی از سخنرانیهای خویش خطاب به این طلاب تصریح می‌کنند: «قلبهای خود را قرص کنید. برای محرم هیچ ترسی نداشته باشید . . . هر موقع از منبر شما جلوگیری شد، برای من پیغام بدهید تا من به مردم دستوراتی خواهم داد که چه باید بکنند.» ایشان در فراز پایانی همین سخنرانی تأکید می‌نمایند: «شاه و دولت را در هم خواهیم کوبید.»^۶

محصول این اراده، تبدیل مجالس سوگواری نقاط مختلف کشور به محافل سیاسی ضد نظام بود. بسیاری از این تکاپوها که از دید ماموران ساواک نیز به دور نبود، در گزارشهای آنها بازتاب یافته است. در یکی از گزارشها با اشاره به اعزام طلاب به شهرستانها به هماهنگیهای بعمل آمده جهت حمایت آیات و علمای متنفذ شهرستانها از جمله آیت‌الله قمی در مشهد، آیت‌الله محمود ضیابری در رشت، آیت‌الله علی‌اصغر صالحی کرمانی در کرمان، آیت‌الله علی‌محمد بروجردی در بروجرد، آیت‌الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی در همدان از طلاب اعزامی در مأموریت آنها طی محرم تأکید شده است.^۷

چنین به نظر می‌رسد که این تلاشها در فرایند طبیعی خود به گسترش آموزه‌های نهضت در شهرهای مختلف انجامید؛ به گونه‌ای که قیام ۱۵ خرداد در دهها شهر بازتاب یافت. شاید از این پدیده بتوان به عنوان «چند شهری شدن نهضت روحانیت» نام برد. ناگفته نماند که امام علاوه بر اعزام طلاب، برنامه‌هایی نیز برای وعظ شهرستانها ترسیم نمود. امام در دیدار یکی از وعظ تهران با ایشان در آستانه محرم از این تدابیر چنین سخن گفته است: «تصمیم دارم (برای ماه محرم) مکاتیبی برای اهل منبر و وعظ خوزستان، شیراز، لرستان، تبریز و یزد بنویسم و متکلمینی هم بفرستم . . . در تهران هم شما آقایان، نکات تاریک کارهای ظلمه را در منبرها تبلیغ بفرمایید.»^۸ برخی از این پیامها در صحیفه امام آمده است. پیامهای مذکور برای علما، روحانیون و وعظ شهرهای همدان، رشت، بستان آباد، کرمان و یکی از بازاریان تهران فرستاده شده است.^۹

امام خمینی در اقدام اساسی دیگری يك پیام عمومی خطاب به «عموم حضرات مبلغین محترم و خطبای معظم و عموم هیأت محترم» صادر نموده، تصریح کردند: «در این ایام که دستگاه جبار از خوف آنکه مبادا در منابر و مجامع مسلمین، شرح مظالم و اعمال خلاف انسانی و ضد دینی و وطنی آنها داده شود، دست به رسوایی دیگری زده و درصدد گرفتن التزام و تعهد از مبلغین محترم و سران هیأت عزادار است که [از] مظالم دم نزنند و دستگاه جبار را به خودسری واگذارند . . . لازم است، فریضه دینی خود را در این ایام در اجتماعات مسلمین ادا کنند . . . آقایان بدانند که خطر امروز بر اسلام کمتر از خطر بنی‌امیه نیست . . . سکوت در این ایام، تأیید دستگاه جبار و کمک به دشمنان اسلام است . . .»^{۱۰}

گزارشهای پراکنده ساواک حکایت از توزیع این اعلامیه در نقاط مختلف کشور از جمله تهران، قم^{۱۱} و کرمان^{۱۲} دارد؛ اما در خصوص بازتاب آن در گزارش دیگری آمده است: «در چند روز اول محرم، اهل منبر حملات شدیدی علیه دولت به عمل نمی‌آوردند و فقط عده‌ای از آنان با اشاره و کنایه انتقاداتی می‌کردند، ولی پس از انتشار اعلامیه جدید [امام] خمینی

که در آن دستوراتی راجع به تشدید فعالیتهای تبلیغاتی بر ضد دولت داده شد، روش آنان تغییر یافته و در مجالس و محافل دینی با شدت مردم را تحریک و علیه دولت تبلیغ می‌کنند . . . انتشار این اعلامیه حتی روش آن عده از گویندگان مذهبی را که کمتر وارد جنجالهای سیاسی می‌شدند، تغییر داده و چون خود را به موجب فتوای [امام] خمینی شرعاً مسوول می‌دانند، شروع به انتقاد و تحریک کرده‌اند.^{۱۲}

نکته قابل ذکر در خصوص این گزارش، آن است که امام اعلامیه خود را قبل از شروع محرم یعنی در ۲۸ اردیبهشت صادر نمود؛ در حالی که محرم از روز سوم خرداد شروع می‌شد؛ از این رو، چنین به نظر می‌رسد که به خاطر موانع امنیتی توزیع این اعلامیه، دیر هنگام و در اواخر دهه اول محرم صورت گرفته و وعاظ به محض اطلاع از محتوای آن، محور سخنرانیهای مجالس و منابر خود را برحمله به دولت قرار داده‌اند.

برخی منابع از دیگر تلاشهای امام در این خصوص گفته‌اند. جلب نظر فلسفی، واعظ معروف تهران، جلب حمایت طیب حاج رضایی، صاحب بزرگ‌ترین هیات عزاداری تهران و حتی اعزام چندی از وعاظ به برخی از کشورهای اسلامی از این جمله‌اند. شهید محلاتی یکی از وعاظ وقت تهران در خاطراتش نقل می‌کند که امام وی را مامور نمود تا سران هیاتهای عزاداری تهران را در جلسه‌ای فراخوانده و برای اتخاذ تدابیر لازم جهت بهره‌برداری سیاسی از مجالس آنها برنامه‌ریزی کنند. وی اضافه می‌کند که برای این منظور چندین جلسه با وعاظ تهران و چندین جلسه هم با سران هیاتها در مسجد بنی‌فاطمه برگزار کرده و هماهنگیهای لازم را به عمل آورده است.^{۱۴}

شهید حاج مهدی عراقی نیز در خاطراتش به طور تفصیلی از کوششهای خود برای جلب حمایت «شیخ‌الواعظین» تهران یعنی حجت‌اسلام محمدتقی فلسفی سخن رانده و اضافه می‌کند که برای این منظور ناچار شده است از امام بخواهد نامه‌ای برای جلب نظر فلسفی و خطاب به او بنویسد. متن نامه بدین شرح است: «حضرت حجت‌الاسلام آقای فلسفی لازم است از بیانات حساس جناب‌عالی در این وقت اختناق عجیب تشکر کنم. امروز، روزی است که حضرات مبلغین محترم و خطبای معظم، دین خود را به دین اثبات فرمایند . . . از قرار اغلب گویندگان محترم با ما هم‌آواز هستند. امید است، خداوند تعالی آن شوادی (= نادر) که از حبس، از زجر، از خوف بیم دارند [را] بیدار فرماید . . .»^{۱۵}

عراقی در ادامه خاطراتش تصریح می‌کند که جلب نظر افرادی مانند فلسفی از میان وعاظ و حاج عباس زری‌باف و حاج ناظم از میان مداحان تهران از این جهت اهمیت داشت که بسیاری از وعاظ و مداحان پیرو و دنباله‌رو آنها بودند. در همین راستا، عراقی موفق شد که نظر طیب حاج رضایی را نیز جلب کند.^{۱۶} سید محمود محتشمی‌پور یکی از همراهان عراقی در این مأموریت در خاطراتش نقل می‌کند که آنان موفق شدند، نه تنها با طیب گفت‌وگو کرده و حمایت او را جلب کنند؛ بلکه توانستند رضایت یکی دیگر از لوطیهای جنوب تهران به نام حسین رمضان‌یخی را نیز به دست آورند.^{۱۷}

از دیگر اقدامات مراجع بنا بر گزارشهای ساواک، اعزام برخی از وعاظ به کشورهای همسایه بود. در گزارش موردنظر آمده است: «فهرست اسامی وعاظی که تصمیم دارند از طرف [امام] خمینی به قطر، کویت و پاکستان رفته و بر علیه دولت تبلیغ نمایند، [عبارتند از] کویت: ابوالقاسم خزعلی، محمد منتظری، علی‌اکبر کافی‌خراسانی، احمد امانی‌اصفهانی، علی دوانی، شیخ نعمت‌الله ادیپی، عباس صالحی، حسین تهرانی، جواد الیاسی (از آبادان)، عباس مهري (از خرمشهر) و شیخ محمد نصرالهی (از خراسان) قطر: عباس معصومی و سید مصطفی علوی، بحرین: عبدالحسین مشکوه، پاکستان: سیدعلی بمان مدنی.»^{۱۸} از میان این وعاظ، علی دوانی به تفصیل خاطرات خود را در سفر تبلیغی به کویت نوشته و فعالیتهای سیاسی وعاظ در آن دیار را نقل کرده است.^{۱۹}

نامبرده در ادامه خاطراتش اضافه می‌کند که این نوحه به سرعت مورد توجه سایر هیاتها و مردم قرار گرفت و بسیاری از آن تقلید نمودند. محسن رفیق‌دوست یکی از اعضای هیات بنی‌فاطمه نیز در خاطراتش نقل می‌کند که وی به اتفاق

جمعی از جوانان مسجد محمدی در جلساتی این نوحه را تمرین کردند و در روزهای تاسوعا و عاشورا در هیات بنی‌فاطمه آن را دم گرفتند.^{۲۰} زری‌باف در ادامه خاطرات خود تصریح می‌کند که علاوه بر نوحه مذکور، یک نوحه دیگر نیز در خصوص پایین انداختن طلاب از پشت‌بام فیضیه در جریان حمله ماموران امنیتی به آن مدرسه در دوم فروردین ۱۳۴۲ - که خود شاهد آن فجایع بود - سروده است. ابیات تکرار آن سروده از این قرار بود: «دانشگاه فیضیه - چون دشت ماریه طلاب دینی - وایلا وایلا - افتاده جسم هر یکی‌شان از لب بام - خمینی خمینی - تو فرزند حسینی - تو حامی دینی»^{۲۱}

یکی از گزارش‌های ساواک درباره هیات بنی‌فاطمه حکایت از آن دارد که این هیات به صورت دسته‌های سینه‌زنی در بازار تهران حرکت نموده و «نوحه‌ها و اشعار آن تماما در حمایت از خمینی خوانده می‌شود.»^{۲۲} اما وعظ دعوت شده آن هیات نیز «دو طلبه تقریباً کم سن و سال، اما شجاع و بی‌باک» یعنی شیخ فضل‌الله محلاتی و شیخ علی‌اصغر مروارید بودند که هر دو بی‌پرده سخن می‌گفتند و در سخنرانی‌های خود در شب‌های محرم به شاه و دولت حمله می‌کردند.^{۲۳} محلاتی در خاطراتش با تایید جو و فضای سیاسی هیات بنی‌فاطمه - مستقر در خیابان نیروی هوایی - نقل می‌کند که وی به همراه مروارید، واعظان آن هیات بودند تا اینکه بنا بر درخواست امام، مروارید به قم عزیمت نمود تا مجالس آنجا را اداره کند؛ از این‌رو، مرحوم مطهری در شب‌های پایانی محرم به جای مروارید آمد که در نهایت، مطهری بعد از منبر شب دوازدهم محرم دستگیر شد؛ ولی خود وی توانست از دست ماموران امنیتی بگریزد.^{۲۴}

مسجد شیخ عبدالحسین؛ یک نمونه از سخنرانی‌های سیاسی

از سوی امام خمینی چنین تصمیم گرفته شده بود که وعظ تا شب هفتم محرم در منابر و مجالس خود چندان با صراحت و تندی علیه نظام سخن نگویند. هدف از این راهکار آن بود که وعظ به تدریج و با فراهم کردن زمینه‌ها، جملات نهایی خود را در شب‌های تاسوعا و عاشورا به‌کاربرند؛ زیرا چنانچه در همان شب‌های نخست به دست دستگاه امنیتی بهانه داده و دستگیر می‌شدند، برنامه اصلی آنان ناتمام باقی می‌ماند. ساواک نیز از این سازوکار اطلاع کسب کرده و درصدد چاره‌جویی برآمد. سرلشکر حسن پاکروان - رییس ساواک - به تاریخ پنجم محرم در دستورالعملی به ساواک‌های کشور با اشاره به اینکه: «اطلاعات واصله حاکیست که روحانیون در نظر دارند از روز هفتم محرم در مجالس سوگواری دست به تحریکات و تظاهرات بزنند.» دستور می‌دهد که «در آن ایام مراقبت بیشتر به عمل آید.»^{۲۵} نامبرده در دستورالعمل دیگری تصریح می‌کند: «حتی‌الامکان در این دو روز از اصطکاک مامورین با عزاداران و وعظ و روحانیون خودداری گردد» و ادامه می‌دهد: «اسامی و مشخصات این قبیل عناصر تهیه که پس از برگزاری ایام عزاداری تصمیم لازم درباره آنها اتخاذ گردد.» این دستورات حاکی از ضعف و ناتوانی دستگاه امنیتی در مواجهه با مجالس مذهبی به خاطر حضور و حمایت توده عظیم مومنین مذهبی از روحانیت می‌باشد؛ چنانچه رییس ساواک نیز از موضع انفعال سخن رانده است. نامبرده برای اینکه ناتوانی دستگاه امنیتی را در این خصوص توجیه نماید در بخش دیگری از دستورالعمل خویش راجع به علت این تصمیم‌گیری تاکید نموده: «هرگونه اقدام نابجا در روزهای مذکور ممکن است، بهانه به دست عناصر مترصد جهت بهره‌برداری بدهد.»^{۲۶} ناگفته پیداست که هرگونه اقدام و عملیاتی علیه وعظ در روزهای تاسوعا و عاشورا، خشم توده‌های مذهبی را برمی‌انگیخت و هیجان و عزاداری عمومی مومنین را از سوگ شهادت امام حسین(ع) و یارانش متوجه هیات حاکمه می‌کرد؛ از همین رو، دستگاه امنیتی از هراس توده‌ها تا پایان دوازدهم محرم و اتمام تدریجی مجالس سوگواری، جرات دستگیری هیچ واعظ یا فعال سیاسی را به خود نداد.

برای تبیین چگونگی بهره‌برداری وعظ از فرصت‌های مذکور، نقش یکی از معروف‌ترین وعظ تهران یعنی شیخ محمدتقی فلسفی و اهمیت منابر و مجالس او را در یکی از مساجد بزرگ تهران یعنی مسجد شیخ عبدالحسین (مسجد ترک‌ها)

حائز اهمیت است. بیشتر افرادی که خاطرات خود را از محرم ۱۳۴۲ نقل کرده‌اند، در خصوص مجالس چند هزار نفری این مسجد نیز سخن گفته‌اند.^{۲۷} این سخنان حاکی از اهمیت ویژه مجلس مذکور در میان دیگر مجالس تهران می‌باشد. وانگهی نقش فلسفی نیز که در آستانه محرم مورد خطاب امام قرار گرفت، به عنوان واعظ آن مسجد دارای اهمیت ویژه است. همچنین، بانی آن مجلس یکی از بزرگ‌ترین هیاتهای تهران یعنی هیات آذربایجانیها بود.

فلسفی در خاطراتش نقل می‌کند که به دو دلیل برای محرم سال ۴۲ وعظ و سخنرانی در مسجد شیخ عبدالحسین را پذیرفته است، اول: فعالیت‌های خالصانه اسلامی آن مسجد و دوم: عنایت امام خمینی به نقش و محوریت آن مسجد در میان مساجد تهران. وی تصریح می‌کند که برای بهره‌برداری بهتر از آن مجلس برخلاف سالهای پیشین مجالس متعدد قبل از ظهر و بعدازظهر – به جز یک منبر در قبل و یک منبر در بعدازظهر – را وعده ندادم. نامبرده در خصوص میزان جمعیت شرکت کننده در آن مسجد می‌افزاید: «از شب اول محرم که بحث در آن مسجد را شروع کردم، به تدریج هر شب جمعیت زیاد می‌شد؛ به گونه‌ای که کار به جایی رسید که صحن، زیر گنبد و شبستان مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین – که بنایی جدا و مدرسه طلاب است – و همچنین حد فاصل مسجد و مدرسه مذکور که بخشی از بازار تهران را تشکیل می‌دهد از جمعیت موج می‌زد. شبهای هفتم و هشتم در بازار خیاطها، بازار کفاشها، جلوی خیابان خیام بلندگوهای متعدد نصب کردند.»^{۲۸} نیز درباره برخی شرکت‌کنندگان از مقامات دولتی در آن مجلس می‌گوید: «در شب نهم اسدالله علم، نعمت‌الله نصیری و برخی مقامات ارشد امنیتی در آن حضور یافتند.» یکی از گزارشهای ساواک حاکی از آن است که «در روز ۱۱ و ۱۲ محرم حداقل یک‌صد هزار نفر نطق فلسفی را گوش داده‌اند. اگر موعظه ملاها در مجالس ختم باشد، خطرش کمتر از موعظه بر بالای منابر در ایام سوگواریست؛ زیرا در آنجا طرف کلام و عاظ، طبقات دوم و اول است؛ ولی در روی منابر سوگواری طرف، مردم عوام و کنترل هیجان افکار آنها مشکل است.»^{۲۹} محورهای مباحث آن مسجد از این قرارند:

مباحث سخنرانیهای فلسفی در محرم ۱۳۴۲ در مسجد شیخ عبدالحسین (هیات آذربایجانیها) در بازار تهران براساس اسناد ساواک در کتاب خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی:

ردیف	شماره سند	صفحه	زمان مجلس		تعداد شرکت کنندگان	محورهای موضوعات و مباحث مطروحه در هر یک از سخنرانیها	عکس‌العمل مردم
			هجری قمری	هجری شمسی			
۱	۱۰۹	۵۷۱ ۵۷۲	۱۳۸۳/۱/۶ شب ششم محرم	۱۳۴۲/۳/۸	هفت هزارنفر	زامداران مردم (وظایف متقابل)، چگونگی اجرای قوانین اسلام، لزوم قیام در برابر زمامدار دیکتاتور، ترس فقط از خدا، لزوم مجازات کسانی که قوانین الهی را زیر پا می‌گذارند، ذکر نمونه زمامداری علی(ع)	دادن شعار برای پیروزی علمای اسلام، صلوات برای خمینی و شریعتمداری
۲	۱۱۰	۵۷۳ ۵۷۴	۱۳۸۳/۱/۷ شب هفتم محرم	۱۳۴۲/۳/۹	هشت هزارنفر	عدم اجرای قانون اساسی کشور، لزوم استقلال قوای سه‌گانه، دخالت قوه مجریه در	صلوات برای پیروزی اسلام و خمینی

و	میلانی خوبی	۳. کنترل چاپخانه‌ها ۴. دستگیری عاملان پخش اعلامیه ۵. ایجاد فاجعه مدرسه ۶. فیضیه ۷. سربازگیری طلاب ۸. ایجاد فضای رعب در قم ۹. جلوگیری از باز کردن بازارها ۱۰. منع برگزاری عزاداری زندانیان سیاسی	سند دیگر شصت هزارنفر يك: سند شماره ۱۱۸					
۶	در منبع سندي درباره سخنراني این روز نیامده	۲۶۹ ۲۷۱	۱۳۸۳/۱/۱۱ شب یازدهم محرم	۱۳۴۳/۳/۱۳	درخاطرات فلسفي ذكري از آن نیامده	پاسخ به سوال يکي از حاضران مبني براینکه اگر در مملکت آزادي نیست، پس چطور شما (فلسفي) هرچه مي‌خواهید در منبر مي‌گویند و حتي دولت را استيضاح مي‌کنید؟ جواب اینکه آزادي بيان ما فقط در همین دهه محرم است، اگر بعد از آن ما را دستگیر نکردند، مي‌شود گفت آزادي هست. فلسفي در همین روز در سخنراني خود در منزل آیت‌الله بهبهاني درخصوص سلطه بهایان و يهوديان در کشور هشدار داد (سند شماره ۱۱۷)		
۷	۱۱۶	۵۸۹	۱۳۸۳/۱/۱۲ شب دوازدهم محرم	۱۳۴۳/۳/۱۴	در سند «عده کثيري از طبقات مختلف» آمده	شجاعت درامره معروف، جانفشاني مردم براي به دست آوردن آزادي مشروطه و قانون اساسي علت نارضايتي مردم از دولت به خاطر تجاوز از قانون، تعطيلي مجلسين، برگزاري انتخابات آزاد معرفي و محاکمه عاملين فاجعه مدرسه فیضیه		
۸	۱۱۹ ۱۳۵	۵۹۴ ۶۱۴	۳/۱۵ الي	۴/۲۹	—	اسناد مربوط به دستگیری، بازجویی و آزادي از زندان هزارنفر از فلسفي به همراه ۵۳ تن از	دیدار از فلسفي بعد از	

آزادي	وعاظ ديگر تهران به مدت ٤٥ روز	بازداشت گرديد.						
-------	-------------------------------	----------------	--	--	--	--	--	--

هيأت بني فاطمه تهران، يك نمونه از نوحه‌هاي سياسي

حال با عنايت به ارايه اين راهکارهاي مبارزاتي از سوي امام که مورد توجه و تبليغ پيروان ايشان قرار گرفت، سوال اساسي آن است که اين برنامه‌ها از چه ميزان استقبال عمومي برخوردار گشت؟ در اين بحث اقبال اقشار مختلف و به خصوص وعاظ، سران هيأتها و نوحه‌خوانها نسبت به فراخوان امام مورد بازکاوي قرار مي‌گيرد.

يکي از فعالان سياسي بازار در خاطرات خود نقل مي‌کند که هيأتهاي موتلفه اسلامي در آستانه محرم طي رايزنيهاي که با استاد مرتضي مطهري و دکتر بهشتي به عمل آوردند: «قرار بر اين شد که دهه محرم، اهل منبر و مداحان اهل بيت شعار تازه‌اي بسازند و برنامه‌هاي جديدي ارايه دهند؛ لذا به آقاياني که مرثيه و شعر مي‌سراييدند، اطلاع داده شد تا از اشعار نو براي دهه عاشورا استفاده کنند.»^{٢٠} در اجراي اين برنامه، مهدي عراقي که حلقه اتصال امام با هيأتهاي مذهبي تهران بود، به سراغ مداحان و نوحه‌خوانهاي هيأتها رفت و براي اين منظور با آنان گفت‌وگو نمود.^{٢١} اسماعيل زري‌باغ، مداح هيأت بني فاطمه – يکي از بزرگ‌ترين هيأتهاي مذهبي تهران – در خاطراتش نقل مي‌کند که چون پيام امام مبني بر اينکه لازم است، «وقايعي را که الان در کشور مي‌گذرد، به صورت نوحه و شعار بسراييد و در جلسات خودتان مطرح کنيد» را از طريق عراقي دريافت نموده، دست به کار شده است و از آنجا که خودش در روز واقعه مدرسه فيضيه قم در آن مدرسه حضور داشته و فاجعه را به چشم خود ديده بود، در صدد برآمد که وقايع آن را در قالب اشعار و نوحه بسراييد تا در زمان حرکت دسته‌هاي سینه‌زني بخواند؛ از اين رو، نوحه‌اي با ترجيع‌بند ذيل جهت هيأت بني فاطمه در روز تاسوعا سراييد: «قم دشت کربلاست – هر روزش عاشوراست – فيضيه قتلگاست – خون جگر علما – واويلا واويلا – شد موسوم باري مولانا الخميني (دوباره).»^{٢٢}

ناگفته پيدا است که مجلس مسجد شيخ عبدالحسين و نوحه‌هاي هيأت بني فاطمه فقط دو نمونه از دهه‌ها مجالس و محافل سياسي محرم در پوشش مجلس عزاداري آن سال مي‌باشد. گزارشهاي بي‌شمار ماموران ساواک از مساجد تهران حاكي از غلبه روح سياسي بر بيشتر مجالس پرجمعيت تهران در محرم سال ٤٢ مي‌باشد. براساس اين گزارش به جرات مي‌توان ادعا کرد که دهه‌ها تن از وعاظ پيشرو عامل پيامرساني آموزه‌هاي نهضت در تهران شدند. نکته قابل تامل اينکه وعاظ در ماه محرم به طور معمول در چندين مجلس منبر مي‌رفتند، به عنوان مثال، فلسفي که تنها در محرم ٤٢ بسياري از مجالس سابق را قبول نکرده بود، در هر روز محرم فقط در چهار مجلس منبر مي‌رفت که مسجد شيخ عبدالحسين مهم‌ترين آنها بود؛ از اين رو، براي تبين ميزان گستره انساني تعداد افراي که در محرم آن سال در تهران در معرض تبليغات وعاظ طرفدار نهضت قرار گرفتند، شايد بتوان ادعا کرد که اگر در کمترین حالت ممکن تعداد وعاظ جدي طرفدار نهضت در تهران را ده نفر – به جز فلسفي – فرض کنيم و هر کدام از اين وعاظ نيز در چهار مجلس به منبر رفته باشند^{٢٣} و در پاي هر منبر هم به طور متوسط يك هزار نفر شرکت کرده باشد؛ در اين صورت، هر وعاظ در هر روز محرم براي چهار هزار نفر به ايراد سخن پرداخته و ده وعاظ براي چهل هزار نفر که اين رقم به اضافه جمعيت چهار مجلس فلسفي که بيش از صد هزار نفر را دربر مي‌گرفت، جمعيتي نزديک صد و پنجاه هزار نفر را شامل مي‌شد که از اين مجالس بهره سياسي مي‌بردند. اين رقم با يك گزارش ساواک که براساس آن «طبق تحقيق در حدود يكصد و پنجاه هزار نفر در دستجات تهران شرکت مي‌کردند و نوحه‌هايي سروده بودند که پشتيباني از خميني بود»^{٢٣} همخواني دارد. ناگفته نماند که همين مردم قيام ١٥ خرداد تهران را آفريدند.

حال، این سوال پیش می‌آید که وعاظ در پوشش این مجالس، چه مطالب سیاسی‌ای را برای شرکت‌کنندگان ایراد می‌کردند؟ چنانچه از موضوعات مباحث سخنرانیهای فلسفی و همچنین گزارشهای پراکنده ساواک برمی‌آید، تمام عملکردهای هیات حاکمه در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که برخلاف خواسته‌ها و مطالبات روحانیت و توده‌های مومنین مذهبی بود، در معرض نقد و عاظ قرار داشت. در این میان چنین به نظر می‌رسد که «روضه فیضیه» که به شرح مظلومیت طلاب در جریان فاجعه مدرسه فیضیه قم می‌پرداخت، توسط بیشتر وعاظ و در پایان سخنرانیها با الگوپذیری روضه کربلا و مظلومیت خاندان اهل بیت خوانده می‌شد و انزجار و تنفر توده‌های مومنین مذهبی را از این رفتار نظام برمی‌انگیخت.

واقعۀ مدرسه فیضیه، کربلای جدیدی شد که هر وعاظ با روضه‌خوانی صحنه‌ای که دیده بود، از آن مرثیه‌ای می‌ساخت و در منابر می‌خواند. هاشمی رفسنجانی از وعاظ آن دوره در خاطراتش نقل می‌کند: «چند باری که من روضه فیضیه خواندم، شاهد گریه و شیون مردم بودم.» وی اضافه می‌کند: «تا پایان مبارزه از این سوژه برای رسوا کردن رژیم شاه دست برنداشتیم.»^{۲۴} بدون تردید، تبیین مردمی شدن نهضت امام خمینی در همین سازوکارها نهفته است. استفاده از رسانه سنتی منبر و ارتباط مستقیم و چهره به چهره بین گوینده و شنونده مهم‌ترین خدمت را به نهضت نمود. این رسانه در شهرهای مختلف نقش اصلی را در گسترش آموزه‌های نهضت ایفا کرد. بنا بر خاطرات یکی از وعاظ پیامد عمده تبلیغات آنان این شد که «فاجعه مدرسه فیضیه» در همه جای کشور، آرام آرام به عقده‌ای از طاغوت در دل مردم تبدیل شد»^{۲۵} فلسفی که از نقش منحصر به فرد وی پیش‌تر سخن گفتیم، در خاطراتش نقل می‌کند: «عمق فاجعه فیضیه تا آنجا بود که تا در منبر یا مجالس نام فیضیه برده می‌شد، صدای شیون و گریه مستمعین و حضار بلند می‌شد، مردم، عزادار فیضیه شدند و به سوگ و عزا نشستند.»^{۲۶} بدون تردید، همین تبلیغات و تکاپوها، مشروعیت نظام را در میان مردم از بین برد و تمام تلاشهای رسانه‌های دولتی را مبنی بر وفاداری شاه به دین و یا «پادشاه تنها کشور شیعه» خنثا کرد. وعاظ ماهر و سخنور به طور معمول در سخنرانیهای خود آن فاجعه را به فاجعه کربلا تشبیه می‌نمودند و اعلام می‌کردند، در فاجعه فیضیه به دستور شاه، حریم اسلام، قرآن، مرجعیت، روحانیت، مجلس سوگواری امام صادق (ع)، حرم حضرت معصومه (س)، قداست دینی، طلاب علوم دینی و . . . مورد تجاوز قرار گرفت و در فاجعه کربلا به فرمان یزید بر نواده پیامبر (ص) و خاندان اهل بیت هتک حرمت گردید. بدون شك تشبیه شاه به یزید، می‌توانست به هر شیعه مومنی انگیزه پایداری و مقاومت بخشد تا علیه یزید زمانه قیام کند و تا حد ایثار و شهادت — مانند یاران امام حسین (ع) — پیش رود. به راستی کدام رسانه چون منبر و کدام زمان، چون ماه محرم از این همه قابلیت برای بسیج توده‌ها برخوردار بود؟

دیدار امام از هیاتها و محلات مذهبی قم

بحث پایانی این مقاله را به یکی دیگر از مهم‌ترین راهکارهای امام برای سوق هیاتهای سوگواری در محرم به رویکرد سیاسی اختصاص می‌دهیم. حضور مرجعیت به عنوان رهبری نهضت در قم یکی از عوامل اصلی گسترش فعالیت‌های سیاسی در پوشش مجالس مذهبی تلقی می‌شد؛ اما در این میان، امام از مولفه‌های دیگری برای بسیج اهالی قم علیه نظام بهره برد. شهر قم از محلات قدیم و جدید مختلفی تشکیل شده است، محلات قدیمی شامل: محله چهل اختران، کوچه حکیم و کوچه آذر (مسجد جمعه) نزد اهالی شهر از جایگاه مقدسی برخوردارند؛ به گونه‌ای که حتی برخی از مقدسین معتقد بودند، برای حفظ سلامت دینی خود لازم است، در آن محلات زندگی کنند.^{۲۷} بر همین اساس، برخی نهادهای دینی آن محلات از قدمت و عظمت ویژه‌ای برخوردار بودند، از جمله هیاتهای مذهبی آن محلات

که روز عاشورا به طرف حرم حضرت معصومه (س) حرکت می‌کردند، زنجیره دسته‌های هیاتهای آنها چندین کیلومتر فاصله انسانی را تشکیل می‌داد.

امام خمینی به خوبی به این نکته واقف بود که پیشبرد نهضت در قم بدون جلب حمایت این طیف عظیم انسانی میسر نمی‌شود؛ از این رو، با تدابیری سنجیده در هر یک از شبهای محرم با قرار قبلی به دیدار مجالس یکی از این هیاتها می‌رفت. تجمع عظیمی از مستقبلیین در کوچه و پس‌کوچه‌های تاریک و باریک محلات قم، قربانیهای گاو و گوسفند به میمنت ورود یک مرجع به یک محله و . . . صحنه‌های باشکوهی از یک محفل مذهبی – سیاسی را شکل می‌داد که بر خاطره‌ها نقش می‌بست. همین نمایش از اقتدار یک مرجع در مراسم بدرقه نیز تکرار می‌شد. امام در محرم ۴۲ از محلات متعددی دیدار کرد و هیاتهای محلات کوچه حکیم، گذر جدا، عشق علی، چهل اختران، کوچه آذر، تکیه ملا محمود و . . . مورد دیدار امام قرار گرفت.^{۳۸} در این میان، بازدید از سه محله چهل اختران، کوچه حکیم و محله آذر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.

۱- هیات مسجد جمعه در محله آذر: نخستین محل، دیدار از هیات مسجد جمعه در خیابان آذر بود. ماجرای این دیدار به تفصیل در خاطرات یکی از اعضای فعال آن مسجد آمده است: «در آستانه ورود امام به آن محله، جمعیت در خیابان آذر و پشت‌بامهای محله موج می‌زد. خیل استقبال‌کنندگان از امام با شوقی وصف‌ناپذیر همراه امام وارد مسجد جمعه شدند. امام و همراهانش تا پاسی از شب در آن مجلس نشستند و بر مراسم و سینه‌زدن آنها نظاره کردند. در پایان، آنان با بدرقه گرم اهالی محل به منزل مراجعت کردند. از همین روست که جوانان مسجد جمعه در تهیه تدارکات برنامه سخنرانی روز عاشورای امام در مدرسه فیضیه نقش چشمگیری داشتند. آنان حتی با احتمال این فرض که ممکن است در جریان سخنرانی امام، مقامات شهر برق مدرسه فیضیه را قطع کنند، تعدادی باطری تهیه کرده بودند که به محض قطع برق بلندگوهای فیضیه را دوباره به کار انداختند. همچنین آنان سخنرانی امام را ضبط کردند.»^{۳۹}

۲- هیات محله چهل اختران: محله قدیمی دیگری که مورد بازدید امام قرار گرفت، هیات محله چهل اختران بود. این محله در منطقه «پایین شهر» قرار دارد و دیدار امام از آن به دنبال دعوت حاج سیدعلی چهل اخترانی – رییس هیات محله – از ایشان به عمل آمد. انتخاب شب عاشورا برای این دیدار بیانگر اهمیت آن هیات در قم می‌باشد. حجت‌الاسلام عبدالحسین چهل اخترانی، در خاطرات خود از این دیدار با عظمت و شکوه خاصی سخن گفته است: «امام در آن شب تا نیمه‌های شب در آن هیات به سر بردند و مردم محله چهل اختران از همان موقع علاقه خاصی به ایشان یافتند.»^{۴۰}

یکی دیگر از دست‌اندرکاران هیات در خاطراتش از شکوه عزاداری مردم آن محله در حضور امام سخن گفته و اضافه می‌کند: «آن شب این جمعیت در صحن چهل اختران، زیر خیمه امام حسین (ع) چه کرد؟ صدای حسین حسین این مردم نیمه شهر را پر کرده بود. امام بزرگوار از این فریادهای یاحسین مردم، بسیار منقلب شد و آنچه را که باید از علاقه مردم در محله چهل اختران . . . دریافت.»^{۴۱} ناگفته نماند که محله چهل اختران در قیام ۱۵ خرداد در قم نقش اصلی را ایفا کرد و بعدها حاج‌علی چهل اخترانی به عنوان عامل قیام از طرف دستگاه امنیتی مورد تعقیب قرار گرفت و ناچار از ایران فرار کرد و سالهای متمادی در عتبات زندگی نمود.

۳- هیات کوچه حکیم: هیات محله قدیم دیگر قم که بعد از سخنرانی عصر عاشورای امام مورد بازدید ایشان قرار گرفت، هیات کوچه حکیم بود. دو تن از سران این هیات پیشاپیش با امام آشنا و با ایشان انس و الفتی یافته بودند. سید محمد ورامینی – رییس هیات کوچه حکیم – از دست‌اندرکاران رتق و فتق امور بیت امام محسوب می‌شد و حسین کشور نیز با سازماندهی سیصد نفر از جوانان هیات، ماموریت حفاظت از امام را در روز سخنرانی عاشورا بر

عهده گرفت. این دیدار که بعد از سخنرانی عاشورای امام انجام شد. با استقبال پرشکوه اهالی کوچه حکیم از امام و همراهانش توأم شد. گویا این برنامه، بی‌ارتباط با قاطعیت ایشان در ابراز مواضع خود در جریان سخنرانی نبود. در این دیدار، انبوه جمعیت مستقبلین از میدان پامنار قم تا کوچه حکیم موج می‌زد. تعداد زیادی از جوانان هیأت برای حفاظت از جان امام، دستهای خود را به هم زنجیر کرده و یک صف انسانی تشکیل دادند. احساسات و هیجانات پرشور در این مراسم به گفته یکی از مستقبلین به مفهوم «اعلام آمادگی خاصی اعم از جانی و مالی در میان مردم» برای حمایت از امام بود.^{۴۲} حسین کشور، معمار و از پهلوانان قم و سیدمحمد ورامینی هر دو از مقربین امام محسوب می‌شدند و نقش مهمی در این مراسم ایفا کردند. این محله نیز در قیام ۱۵ خرداد قم نقش ویژه‌ای داشت و حتی حسین کشور را «سردسته قیام پایین شهرهای قم» دانسته‌اند.^{۴۳}

نتیجه‌گیری

حاصل سخن اینکه محرم سال ۱۳۴۲ نقطه عطفی در جریان مبارزات روحانیت علیه نظام حاکم تلقی می‌شود. به جرات می‌توان ادعا کرد که قیام خونین ۱۵ خرداد محصول تبلیغات و سخنرانیهای وعاظ در طول دهه محرم بود. ده‌ها هزار تن از توده‌های مومنین مذهبی که در مجالس سوگواری محرم شرکت می‌کردند، توسط وعاظ به طور مستقیم در معرض تبلیغات و پیام‌رسانی آموزه‌های نهضت قرار می‌گرفتند.

به‌کارگیری دستگاه تبلیغاتی منبر در مجالس سوگواری محرم و خواندن «روضه فیضیه» در شرح فاجعه مدرسه فیضیه قم و تشبیه آن به قیام کربلا، برنده‌ترین سلاح تبلیغاتی وعاظ برای تحریک و بسیج توده‌ها بود. دهه محرم ۴۲ را می‌توان غلبه رسانه‌های سنتی نهاد مذهب بر رسانه‌های مدرن نظام حاکم خواند. پارگیری مرجعیت و نهضت از هیأت‌های مذهبی از طریق وعاظ و نوحه‌خوانها در جریان مجالس محرم میسر گردید. تدابیر اتخاذ شده از سوی امام به نحو مطلوبی، خشم و کین عمومی مردم از قاتلان امام حسین(ع) و یارانش را متوجه یزید زمان — شخص شاه — و قاتلان طلاب در جریان فاجعه مدرسه فیضیه قم ساخت.

سخنرانی عاشورای امام در یک برهه دیگر از نقطه اوج «زمانهای پرشوننده» محرم یعنی در روز عاشورا و خطاب «هرگز . . . آقای شاه . . . من به شما نصیحت می‌کنم . . .» نشان داد که تنها در پوشش مذهب می‌توان قدرت عظیم نیروی انسانی ایران را به جنبش درآورد. دستگیری امام در فاصله دو روز بعد از آن سخنرانی و وقوع قیام خونین ۱۵ خرداد بیانگر هراس هیأت حاکمه از شکل‌گیری قدرت و هویت مقاومت جدید در برابر نظام بود؛ از این‌رو، می‌شود ادعا کرد که قیام ۱۵ خرداد سرآغاز انقلاب اسلامی ایران است و مجالس عزاداری محرم سال ۴۲ را به درستی می‌توان زمینه‌ساز آن قیام تلقی کرد؛ پس بی‌مورد نخواهد بود که نهضت امام خمینی را برگرفته از قیام کربلا بدانیم.

برگرفته از کتاب نهضت امام خمینی، سیدحمید روحانی، چاپ ۱۵

پي‌نوشتها

- ۱- جواد منصوري، تاريخ قيام ۱۵ خرداد به روايت اسناد، ج ۱، تهران، مركز اسناد انقلاب اسلامي، ۱۳۷۷، سند شماره ۳/۱۲۰.
- ۲- رحيم روحبخش، روضه فيضيه: مروري بر زمينه‌ها و پيامدهاي فاجعه حمله به مدرسه فيضيه در فروردين ۴۲، ماهنامه زمانه، سال دوم، شماره ۷ و ۸، فروردين و ارديبهشت ۱۳۸۲.
- ۳- صحيفه امام، ج ۱: مجموعه آثار امام خميني شامل بيانات، پيامها، مصاحبه‌ها، احكام، اجازات شرعي و نامه‌ها، ۱۳۱۲-۱۳۴۳، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني(ره)، ۱۳۷۸، تلگراف امام خميني(ره) به آيت‌الله مرتضي پسنديده، ص ۲۰۳.
- ۴- قيام ۱۵ خرداد به روايت اسناد ساواک، ج ۲، فيضيه، تهران، مركز بررسي اسناد تاريخي وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹، ص ۱۹۴.
- ۵- همان، ص ۲۱۹.
- ۶- محمدحسن رجبی، زندگينامه سياسي امام خميني(ره)، تهران، مركز اسناد انقلاب اسلامي، ۱۳۷۸، سند شماره ۶۰.
- ۷- قيام ۱۵ خرداد به روايت اسناد ساواک، ج ۲: فيضيه، ص ۲۲۴.
- ۸- بيانات امام خميني(ره) در دیدار افصح‌المتكلمين - يكي از وعظ تهران - با ايشان، صحيفه امام، ج ۱، صص ۱۹۲-۱۹۴.
- ۹- صحيفه امام، ج ۱، صص ۲۰۱-۲۰۲، ۲۲۰، ۲۲۳-۲۲۴، ۲۳۸-۲۳۹ و ۲۴۰-۲۴۱.
- ۱۰- پيام امام خميني(ره) به روحانيون و وعظ در خصوص دعوت به افشاي جنايتهاي شاه در محرم، صحيفه امام، ج ۱، صص ۲۲۹-۲۳۰.
- ۱۱- قيام ۱۵ خرداد به روايت اسناد ساواک، ج ۲: فيضيه، صص ۳۳۹ - ۳۴۴.

- ۱۲- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده شهرداری امام خمینی(ره)، شماره بایگانی ۶۶۱، کد ۶۴۱/۱، صص ۷۲-۷۴
- ۱۳- قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۲: فیضیه، ص ۳۴۹.
- ۱۴- شیخ فضل الله محلاتی، خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، به کوشش سیدحمید روحانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۴۸.
- ۱۵- فلسفی، محمدتقی، خاطرات و مبارزات حجه الاسلام فلسفی، به کوشش سیدحمید روحانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، عین دستخط امام، سند شماره ۱۰۸، ص ۵۷۰؛ صحیفه امام، ج ۱، نامه امام خمینی به محمدتقی فلسفی در خصوص قردانی از سخنرانیهای او، ص ۲۴۲.
- ۱۶- ناگفته‌ها (خاطرات شهید حاج مهدی عراقی)، تهران، رسا، ۱۳۷۰، صص ۱۷۷-۱۷۳.
- ۱۷- خاطرات ۱۵ خرداد: (دفتر پنجم)، به کوشش علی باقری، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۱۹۹-۲۰۰.
- ۱۸- قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۲: فیضیه، ص ۲۹۲؛ زندگینامه سیاسی امام خمینی(ره)، سند شماره ۶۴.
- ۱۹- خاطرات ۱۵ خرداد (دفتر اول)، ص ۱۰۵.
- ۲۰- فصلنامه ۱۵ خرداد، شماره ۲۵، سال ششم، بهار ۱۳۷۶، صص ۲۰۹-۲۱۰، خاطرات حاج محسن رفیق دوست از ۱۵ خرداد.
- ۲۱- خاطرات ۱۵ خرداد، بازار، ص ۸۵، خاطرات عباس زری باف.
- ۲۲- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده قیام ۱۵ خرداد، شماره بازیابی ۱۱۸، صص ۹۳-۹۵.
- ۲۳- خاطرات ۱۵ خرداد، بازار، ص ۷۶، خاطرات عباس زری باف.
- ۲۴- خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، صص ۴۹-۵۱.

۲۵- قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۲: فیضیه، ص ۳۲۸.

۲۶- تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، ج ۱: سند شماره ۲/۱۲۶.

۲۷- برای نمونه رك: خاطرات ۱۵ خرداد، بازار، صص ۲۴-۲۵ و ۷۶-۷۷؛ همان، دفتر پنجم، ص ۷۹.

۲۸- خاطرات و مبارزات حجه‌الاسلام فلسفی، صص ۲۵۵-۲۵۶.

۲۹- همان، سند شماره ۱۱۸، ص ۵۹۱.

۳۰- خاطرات ۱۵ خرداد، بازار، به کوشش علی باقری، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۹۶. خاطرات حبیب‌الله شفیق.

۳۱- ناگفته‌ها (خاطرات شهید حاج مهدی عراقی)، صص ۱۷۴-۱۷۵.

۳۲- خاطرات ۱۵ خرداد، بازار، ص ۸۴، خاطرات سیدعباس زری‌باف.

۳۳- به طور نمونه شیخ‌عباس‌علی اسلامی یکی از وعاظ سرشناس تهران از جمله وعاظی بود که در چهار مجلس منبر می‌رفت. رك: جامعه تعلیمات اسلامی؛ آیت‌الله شیخ عباس‌علی اسلامی و نقش ایشان در انقلاب اسلامی، به کوشش حمید کرمی‌پور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۲۱۵-۲۲۰.

۳۴- قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۲: فیضیه، صص ۳۸۹-۳۹۱، همچنین تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، ج ۱: سند شماره ۲/۱۲۰.

۳۵- دوران مبارزه، خاطرات هاشمی رفسنجانی، به کوشش محسن هاشمی، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶، صص ۱۴۰-۱۴۱.

۳۶- خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر پنجم، ص ۲۰۲. خاطرات حجت‌الاسلام محمد کوثری.

۳۷- خاطرات و مبارزات حجه‌الاسلام فلسفی، ص ۲۵۴.

۳۸- خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر پنجم، صص ۲۸۴-۲۸۵. خاطرات حجت‌الاسلام عبدالمجید معادپخواه.

۳۹- خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر پنجم، صص ۲۷۱، ۲۷۴ و ۲۷۹. خاطرات حجت‌الاسلام عبدالمجید معادیخواه.

۴۰- همان، صص ۱۰۰-۱۰۱. خاطرات حجت‌الاسلام عبدالحسین چهل اخترانی، در ضمن نامبرده فرزند حاج سیدعلی چهل اخترانی می‌باشد.

۴۱- خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر پنجم، ص ۲۰۳، خاطرات حجت‌الاسلام سیدمحمد کوثری.

۴۲- همان، ص ۱۱۵. خاطرات نصرالله خاکی.

۴۳- همان، ص ۱۹۴، خاطرات حسین کشور؛ صص ۱۲۸-۱۲۹، خاطرات محمدعلی دل‌آذر؛ ص ۲۷۷. خاطرات حجت‌الاسلام عبدالمجید معادیخواه.